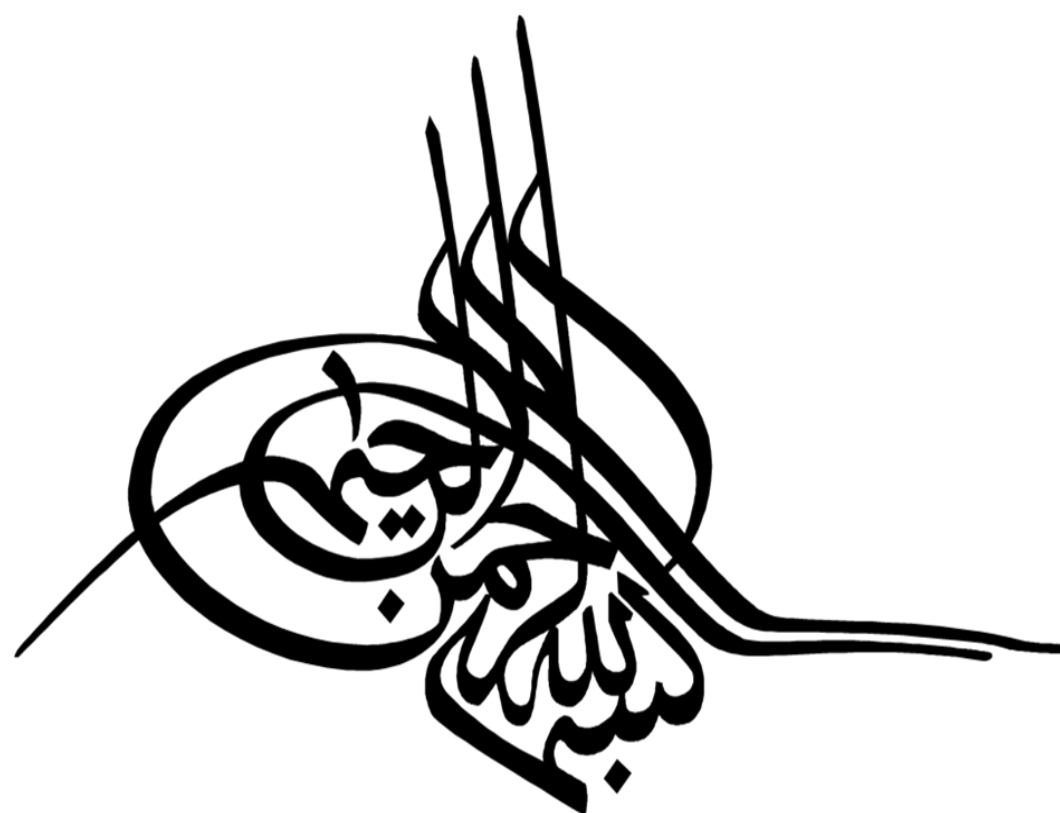




گزارش همایش سالانه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با موضوع:

«قطعنامه تعریف تجاوز، میراث حقوقی پنجاه ساله و چشم اندازهای آینده»

۵-۶ دی ماه ۱۴۰۳

تهیه و تنظیم:
(به ترتیب حروف الفبا)

فاطمه انصاری پیری، کیان بیگلربیگی، صدرا پیرنیاکان، رضوانه سپاسی، علی کریمی یوشانلوئی،
ساوالان محمدزاده

بازخوانی و ویرایش نهایی:
ساوالان محمدزاده

اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴

روز اول همایش

افتتاحیه

همایش سالانه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با موضوع «قطعه‌نامه تعریف تجاوز، میراث حقوقی پنجاه ساله و چشم اندازهای آینده» به مدت دو روز در تاریخ ۵ و ۶ دی ماه ۱۴۰۳ با برگزاری چهار نشست تخصصی به کار خود پایان داد.

دکتر نسرین مصفا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دکتر حسن سواری، دبیر علمی همایش، و دکتر محسن محبی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، سخنرانان افتتاحیه این همایش بودند.

این رویداد با سخنرانی دکتر نسرین مصفا آغاز گردید. دکتر مصفا با بیان اینکه این همایش به منظور تحقق اهداف مندرج در اساسنامه انجمن که اکنون در آستانه ۲۵ سالگی قرار دارد برگزار می‌شود، خاطر نشان کرد که توجه انجمن به موضوعات مهم در دستور کار جهانی، همراه با عنایت نسبت به مناسبت‌های مهم که فرصتی برای تحلیل دستاوردها و چالش‌های پیش روی آنهاست، رویه‌ای در فعالیت‌های انجمن بوده است. رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل در ادامه افزود: «امروز پس از گذشت ۵۰ سال از تصویب قطعه‌نامه ۳۳۱۴، جهان با چالش‌های فراوانی رو به روست؛ از فناوری‌های نوین نظامی و هوش مصنوعی گرفته تا افزایش تنوع و پیچیدگی بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل. محورهای این همایش تلاش دارند این نیازها را منعکس کند. با همه این اوصاف، این گردهمایی فرصت ارزشمندی برای اندیشمندان و پژوهشگران است تا با تبادل نظر افق‌های تازه برای پژوهش در این حوزه بگشایند.»

در ادامه، دکتر حسن سواری ضمن اشاره به عناوین نشست‌ها و ارائه گزارشی از مقالات ارائه شده به همایش، با اشاره به تلاش‌های جامعه جهانی که منتج به تصویب قطعه‌نامه تعریف تجاوز شد، به تبیین لزوم برگزاری این رویداد علمی در ۵۰ سالگی تصویب قطعه‌نامه پرداخت.

افتتاحیه همایش با سخنرانی دکتر محسن محبی پایان یافت. دکتر محبی به بررسی مفهوم تجاوز در بستر تاریخ از قرن ۵ قبل از میلاد پرداخت. وی همچنین افزود: «متأسفانه امروزه جنگ همچنان تنها راه حل اختلافات است. در حال حاضر، اگر دو دولت دچار اختلاف شوند، بهترین ابزار برای حل آن استفاده از ابزارهای مسلحانه و حمله به یکدیگر خواهد بود. در سال‌های اخیر، به این ابزارهای کلاسیک (یعنی توپ، تانک و...)، هوش مصنوعی و جنگ سایبری نیز اضافه شده است. در چنین روزگاری حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل چه کارکردی می‌تواند داشته باشد؟ این که جنگ از دامن بشر رخت برچیند کار حقوق بین‌الملل نیست. چرا که جنگ پیش از صحنه نبرد در ذهن فرماندهان آغاز می‌گردد و ما تنها تجلی بیرونی آن را نظاره می‌کنیم. بنابراین برای اجتناب از جنگ، بشر باید صلح را در درون خود جستجو کند. لذا نباید بیش از حد از حقوق بین‌الملل انتظار داشت. به قول آقای کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد، «حقوق بین‌الملل نمیتواند بهشت را در روی زمین ایجاد کند، کار حقوق بین‌الملل این است که از جهنم موجود بکاهد». از دیگر مباحثی که مطرح شد می‌توان به عناصر جنایت تجاوز در کنفرانس کامپالا، مسئولیت دولت، ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل، پاسخگویی فردی و ارتقا صلح و امنیت بین‌المللی اشاره کرد. در پایان، دکتر محبی برای درک بهتر دانشجویان از آفت تجاوز نظامی و جنگ، رمان «دیدار به قیامت» ترجمه دکتر مرتضی کلاتنری را توصیه نمود و کلام خود را با نقل قولی از کانت به پایان رساند: «اگر عدالت نباشد زندگی به زحمتش نمی‌ارزد.»

نشست اول- نشست نخست روز اول همایش با موضوع «خاستگاه تاریخی تدوین قطعنامه تعریف تجاوز و کارنامه سازمان ملل متحد در این مسیر» و با مدیریت دکتر سیروس فیضی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و دبیری آقای ساوالان مهندسزاده، دبیر کارگروه تخصصی کمیته جوانان انجمن، آغاز به کار کرد. در این نشست دکتر نسرین مصفا، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، با موضوع «تحلیل تاریخی سنگ بنای صلح: ردیابی نقش جامعه ملل در هنجارسازی منع تجاوز»، دکتر امینه مویدیان، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، با موضوع «بازکاوی تعریف تجاوز در فرآیند تحولات جامعه بین‌المللی»، دکتر سیدقاسم زمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، با موضوع «اعتبار مفهوم تجاوز در حقوق

بین‌الملل عرفی» و دکتر پوریا عسکری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، با موضوع «اقدامات قهری یکجانبه به مثابه توسل به زور» به ایراد سخن پرداختند.

در ابتدای نشست، **دکتر نسرین مصفا** نسبت به ارائه موضوع با عنوان «تحلیل تاریخی سنگ بنای صلح: ردیابی نقش جامعه ملل در هنجارسازی منع تجاوز» اقدام کردند. دکتر مصفا در ابتدا مقدمه‌ای در خصوص موضوع خود ارائه کردند و سپس وارد تحلیل و بررسی این مساله تاریخی شدند. ایشان چنین اذعان داشتند که جنگ نهاد قدرتمندی است که در بخشی از تاریخ مدرن شاهد آن بوده ایم. کتابی در سال ۱۳۶۵ با راهنمایی دکتر جمشید ممتاز و مشارکت دیگر همکاران منتشر شد و اولین کتاب در خصوص تعریف تجاوز و نگاه تاریخی به آن منتشر شد که در ارائه به آن خواهیم پرداخت. شرایط سیاسی در هر برهه زمانی بر مساله ارائه حال حاضر تاثیر دارد. در سال‌های تشکیل جامعه ملل، دولت‌هایی مثل بریتانیا و فرانسه به دنبال حفظ قدرت و جلوگیری از پیشرفت آلمان بودند. ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، فیلسوف چینی تاکید داشت که تجاوز باید متوقف شود و به عنوان جنایتی بزرگ شناخته شود. اما بعد از این همه سال، در تاریخ شاهد عدم توقف و پیش برد آن توسط کشورها بوده ایم. علی‌رغم پیشرفت و توسعه کشورها، میلیون‌ها آدم در دوره مدرن قربانی تجاوز بوده‌اند. در سال ۱۷۶۱، روسو پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی جهت حل و فصل و جلوگیری از اختلافات را ارائه کرد. فیلسوف‌های بعدی نیز هر یک برای جلوگیری از تجاوز و حل و فصل اختلافات پیشنهاداتی داده‌اند. اما می‌بینیم که اثری نداشته است. در اوایل قرن ۲۰ شاهد جریانی بودیم که به تشکیل جامعه ملل منتهی شد. موفقیت اصلی آن، تبدیل کردن جنگ به یک مساله بین‌المللی بود. یعنی دیگر مساله خصوصی دولت‌ها نبود. به وجود آوردن راه‌هایی جهت حل و فصل اختلافات یکی از موارد مهم مواد میثاق جامعه ملل بود. اما نکته آن است که جنگ منع نشده بود. بیشتر توجه آن ارائه راهکار حل و فصل اختلافات و مقرر کردن مجازات برای دولت متجاوز است. در ماده ۱۰ میثاق به مسائل جنگی و تجاوز پرداخته بود. اعضای جامعه ملل که می‌دانستند میثاق محدودیت‌هایی دارد، درصدد رفع آن برآمدند. در این راستا، در چارچوب جامعه ملل کوشش‌هایی به عمل آمد. از جمله می‌توان به «طرح قرارداد کمک متقابل» (۱۹۲۳) و «پروتکل حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی» (پروتکل ژنو، ۱۹۲۴) اشاره کرد.

طرح قرارداد کمک متقابل که درون جامعه دنبال می‌شد، هسته اصلی تقلیل تسلیحات میان اعضای جامعه ملل بود. هدف آن خلع سلاح بود. یعنی غیرمستقیم جلوی جنگ را می‌گرفت. این طرح، تجاوز را تعریف نمی‌کرد، اما در ماده ۱ آن تجاوز به عنوان جنایت بین‌المللی تلقی شده بود. مواد متعدد این طرح، مورد

بحث دولت‌ها قرار گرفت ولی به کار افتادن آن سازوکاری می‌خواست که اجرایی نشد. در چارچوب این اقدامات، به پروتکل ۱۹۲۴ ژنو نیز می‌توان اشاره کرد. اما مفهوم جدیدی وارد حقوق بین‌الملل شد که حتی اقداماتی که منتهی به جنگ نشود هم باید منع شوند. پروتکل اول امضا شد و بعد دولت‌ها به آن ملحق نشدند. حتی بریتانیا و فرانسه به عنوان دو دولت پیشنهاد کننده نیز به آن نپیوستند. در نهایت می‌بینیم که در سال ۱۹۳۲ وقتی کنفرانس خلع سلاح برگزار شد، کمیته حقیقت یاب جهت کمک به قربانیان تجاوز پیش‌بینی می‌شود که نکته مهمی بود. اما در هر حال به تعریف تجاوز منتهی نشد. هم کمیته و هم کمیسیون خلع سلاح به این نتیجه رسیدند که تعریف تجاوز به دلیل تفاوت اعضا ممکن نیست. اما برخی مفاهیم مرتبط با آن که اجزای مرتبط با تجاوز هستند بعدها در قطعنامه تعریف تجاوز سازمان ملل متحد دیده می‌شود. جامعه با وجود محدودیت‌ها و فروپاشی، به اهداف خود نرسید. اصول بنیادین آن بخصوص ماده ۱۰، اولین تلاش‌ها برای محدود کردن تجاوز محسوب می‌شود. جامعه ملل الگویی برای تلاش‌های آینده جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد شد. با نگاهی به گذشته و تلاش‌های جامعه ملل، می‌توان مشاهده کرد که برخی اقدامات به نتیجه نرسیدند، برخی شکست خوردند و برخی نیز زیربنای اقدامات موثر در ده‌ها سال بعد شدند. از این رو است که بررسی رویکرد جامعه ملل و تاریخ آن اهمیت دارد.

دکتر امینه مویدیان سخنرانی خود در رابطه با موضوع «بازکاوی تعریف تجاوز در فرآیند تحولات جامعه بین‌المللی» را با اشاره به قطعنامه ۳۳۱۴ تعریف تجاوز آغاز کرده و فرمودند این قطعنامه، ضمن تعریف تجاوز در ماده یک، در ماده ۳ مصادیق آن را مشخص می‌کند. بند ۲ ماده ۳، کاربرد سلاح را به عنوان یکی از موارد اقدامات تجاوزکارانه دانسته است. در این قطعنامه، تسلیحات متعارف آن دوره مدنظر بوده ولی نکته آن است که با تبدیل شدن جنگ‌های کلاسیک به جنگ‌های چندبعدی و هیبریدی، دایره شمول سلاح تغییر پیدا کرده است. در این راستا، باید به موارد سایبری، اقتصادی و ... نیز پرداخت و مفاهیم قطعنامه را نسبت به مسائل دیگر هم دخیل دانست.

ایشان در ادامه به تحولات جنگ از دوران کلاسیک تا به امروز اشاره کردند. از نظر دکتر مویدیان، هر دوره تاریخی، دارای ویژگی‌های خاص خود است. اما در هر حال، اقدامات همه تجاوزکارانه هستند. جنگ مانند افتاب پرستی است که ماهیت آن به مرور تغییر می‌کند. مثلاً در گذشته به یک شکل، و در حال حاضر نیز با پیشرفت تکنولوژی شاهد مسائل دیگری هستیم. از قرن ۱۹ و ۲۰، شتاب در تولید تسلیحات و قدرت تخریب‌گری را شاهد هستیم. در جنگ جهانی اول و دوم نظاره‌گر قدرت ویرانگری این

تسلیحات بودیم. به همین خاطر بود که تلفات در جنگ جهانی دوم در مقایسه با جنگ جهانی اول به میزان ۵ برابر افزایش پیدا کرد. با انفجار بمب‌های اتمی در ژاپن، می‌توان گفت مسائل منفی و تلفات بالا به حد اعلا‌ی خود رسیدند. در این شرایط، ضرورت تعریف تجاوز برای دولت‌ها احساس شد و دولت‌ها به دنبال آن بودند تا تجاوز را تعریف کنند. در خصوص لزوم تعریف اتفاق نظر داشتند اما می‌دانستند تهیه فهرست، ناقض اهداف اصلی می‌باشد. در قطعنامه ۵۹۹، از دولت‌ها خواسته شد نظرات خود را بیان کنند. عمده اختلاف دولت‌ها در خصوص شمارش اقدامات تجاوزکارانه بود. کاستاریکا معتقد بود که تعاریف پیچیده نباید پیگیری شود. به اعتقاد مصر، تعریف حقوقی از تجاوز مصنوعی است و نمی‌تواند جامع باشد. فرانسه چنین بیان نمود که تلاش برای تعریف مطلوب است اما تعریف شمارشی مردود است. عراق نیز تعریف را مطلوب قلمداد می‌کرد اما مشکل بزرگ را تنوع ابزار متجاوزان می‌دانست. از نظر یوگسلاوی تعریفی منعطف لازم خواهد بود تا پاسخگوی تحولات آینده باشد. دغدغه مشترک اکثر دولت‌ها، ارائه تعریفی بود که با توجه به جریان دائمی توسعه، تعریفی باز باشد. یعنی هم موارد کلاسیک در آن مستتر باشد و هم مسائل آینده. قطعنامه تجاوز انتظارات معقول را پاسخ داد. زیرا تجاوز را تعریف می‌کند و مصادیق آن را مشخص می‌کند. تصریح شده است که اعمال مندرج در ماده ۳ از باب تمثیل می‌باشند. سلاح‌هایی که ممکن است در آینده استفاده شود، در بند ۲ آمده‌اند. بمباران، یا استفاده از «هرگونه سلاح دیگر»، قابلیت تفسیر دارد. یعنی به کارگیری هرگونه سلاح دیگر امری ممنوع است. پس جنگ‌های هیبریدی یا ترکیبی که در گزارش ۲۰۱۵ کنفرانس امنیتی مونیخ آمده نیز می‌تواند مدنظر قرار گیرد. منطقی است که هریک از ابزارهایی که در کنفرانس آمده، اسلحه‌ای باشد که بتواند حمله مسلحانه و اقدامی تجاوزکارانه باشد. رویکرد نهادهایی مانند ناتو موید این مساله است. در فوریه سال ۲۰۱۴، و در جریان الحاق کریمه به روسیه، یکی از ژنرال‌های ناتو چنین بیان نمود که این منطقه بدون شلیک گرفته شد. مسائل اطلاعاتی به عنوان سلاح استفاده شد. استفاده روسیه از ابزارهای جنگ هیبریدی، ناتو را می‌تواند به آن وا دارد که گونه‌ای حمله است که سازوکار دفاع به خاک یکی از اعضا را اجرایی کند. در نهایت، اگرچه بند ۲ در عبارت «هرگونه سلاح دیگر» صراحتاً نگفته شامل چه چیزی است، اما رویکرد برخی دولت‌ها و نهادها حاکی از آن است که ملزومات جنگ‌های هیبریدی به عنوان سلاح تلقی شده است؛ مشروط بر اینکه با شدت بالا و بطور وسیع باشند.

در ادامه، دکتر سید قاسم زمانی در ارائه خود تحت عنوان «اعتبار مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل عرفی» به این موضوع پرداختند که با توجه به عدم تعریف تجاوز در اسناد لازم‌الاجرای بین‌المللی، آیا

می‌توان برای تجاوز نظامی در مفهومی که در قطعنامه ۳۳۱۴ آمده است، ارزش و اعتبار عرفی قائل شد؟

در همین راستا، ایشان به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در سه پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده ۱۹۸۶، کنگو علیه اوگاندا ۲۰۰۵ و بوسنی هرزگوین علیه صربستان ۲۰۰۷ اشاره کردند که به سوال مزبور پاسخ مثبت داده است. دکتر زمانی افزودند که در آرای فوق، برخی قضات نظر دیوان را مورد انتقاد قرار داده‌اند. بنابراین، مساله این است که در خصوص موضوع حاضر باید نظر دیوان را بپذیریم و یا نظر قضات مخالف و برخی دیگر از حقوقدانان را؟

ایشان در ادامه و به منظور اثبات عرفی بودن مفاد قطعنامه تعریف تجاوز از جمله به نکات زیر اشاره داشتند:

- ا. برای بررسی عرفی بودن مفاد قطعنامه تعریف تجاوز، به جای توجه به کلیت این سند، باید بند به بند آن به طور جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرد.
- ب. تصویب قطعنامه تعریف تجاوز با کنسانسوس بوده است.
- ج. استقبال از قطعنامه تعریف تجاوز در کنفرانس کامپالا و اینکه جنایی شدن یک قاعده قرینه‌ای بر عرفی بودن آن قاعده است.
- د. اشاره به عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل و طرح قاعده آمره و اینکه قاعده منع تجاوز در ابتدای فهرست غیرحصری این طرح قرار داده شده است.

در آخرین سخنرانی این نشست نیز دکتر پوریا عسکری موضوع «اقدامات قهری یکجانبه به مثابه توسل به زور» را در سه بخش مورد ارزیابی قرار دادند.

در بخش نخست، ایشان به تعریف صلح مثبت و منفی اشاره کرده و افزودند که هدف رسیدن به صلح منفی (به معنای نبود جنگ) نیست بلکه رسیدن به صلح مثبت (به معنای نبود تهدید امنیتی و وجود دموکراسی و حاکمیت قانون و...) است. با اقتباس از این تعاریف، دکتر عسکری بیان کردند که در این سخنرانی قصد افزایش دامنه مفهوم جنگ در صلح منفی را دارند. یعنی آن زمان که اقدامات قهری یکجانبه انسان و انسانیت را به خاک و خون کشیده است، چون صلح مثبت وجود ندارد، پس می‌توانیم ادعا کنیم که جنگ یا توسل به زور یا تجاوز در جریان است. ایشان تاکید کردند که ما به عنوان قربانی

تحریم، با دستاویز قراردادن چنین نگرش‌هایی، می‌توانیم راجع به افزایش دامنه توسل به زور صحبت کنیم. دکتر عسکری در ادامه به بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و ناکام ماندن برخی از اعضا در گنجاندن زور اقتصادی در این بند اشاره کردند. همین امر در قطعنامه روابط دوستانه دولت‌ها و نیز در روند تدوین قطعنامه تعریف تجاوز تکرار شد اما باز هم ناکام ماند. به اعتقاد ایشان، هر چند این تلاش‌ها در طی این چند دهه به نتیجه نرسیده‌اند اما همچنان ادامه دارند.

در بخش دوم، دکتر عسکری به موضوع تحریم‌های اولیه و ثانویه اشاره کرده و بیان کردند که تحریم‌های ثانویه در حقوق بین‌الملل مجاز نیستند و بنابراین ما در حقوق بین‌الملل نسبت به این دسته از تحریم‌ها با چالش مواجه نیستیم. اما مشکل و چالش اصلی ما در خصوص تحریم‌های اولیه است که هرچند استثنائاتی را در بر می‌گیرند، اما به طور کلی در حقوق بین‌الملل ممنوعیتی ندارند. ایشان در ادامه به برخی توجیهات ارائه شده پیرامون مشروعیت این دسته از تحریم‌ها پرداختند.

یکی از این توجیهات، مربوط به آن دسته از اعمال صرفاً مقابله‌ای است که اقدام متقابل نیز محسوب نمی‌شوند. (اشاره به بحث Retorsion) در پاسخ به چنین توجیهاتی، دکتر عسکری از جمله به موضوع مغایرت این دسته از تحریم‌ها با اصل عدم مداخله پرداخته و توضیح دادند که وجود چنین تحریم‌هایی مانع این می‌شود که دولت قربانی تحریم به تعهدات خودش (مثلاً تعهداتی از جنس هوای پاک، حق سلامت، حق حیات و...) عمل کند.

استدلال دیگری که در توجیه این دسته از تحریم‌ها مطرح شده است، مربوط به اقدام متقابل است. در پاسخ به چنین استدلالی، دکتر عسکری اولاً به ماده ۵۴ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) اشاره کرده و فرمودند که طبق این ماده به جز دولت قربانی، دولت‌های دیگر نمی‌توانند اقدام متقابل انجام دهند. سپس بیان کردند که حتی با فرض عدم وجود این ماده (یعنی اینکه بقیه دولت‌ها نیز به عنوان قربانی غیر مستقیم می‌توانستند به اقدام متقابل متوسل شوند) نیز باز هم کمیسیون حقوق بین‌الملل اشاره دارد بر اینکه اگر قرار باشد اقدام متقابل مشروع باشد، یکسری شرایط دارد از جمله اینکه نمی‌تواند همراه با استفاده از زور باشد.

در نهایت و در بخش سوم، دکتر عسکری به این نکته اشاره کردند که دولت‌هایی که مخالف این بودند که بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد شامل توسل به زور اقتصادی بشود، و یا دولت‌هایی که در قالب قطعنامه روابط دوستانه دولت‌ها مخالف این امر بودند، رویکردشان را در تالین ۱ و ۲ تغییر داده و بیان کردند

که توسل به زور می‌تواند در فضای سایبر نیز محقق بشود. در مورد چگونگی تحقق توسل به زور در فضای سایبر، تالین به ما پاسخ می‌دهد که اگر حمله سایبری آثاری شبیه آثار حمله واقعی داشت، می‌شود گفت توسل به زور است. دکتر عسکری از این موضوع چنین نتیجه گرفتند که اگر قرار است آثار حمله سایبری را ببینیم، پس چرا آثار حمله اقتصادی را نبینیم؟ این امر می‌تواند مفهوم توسل به زور را تغییر دهد. در تالین هم این رویکرد مورد اعتراض واقع نشده است. بنابراین، بعد از تالین، دست ما خیلی باز است که از چنین استدلالی در راستای دفاع از خود به عنوان دولت قربانی تحریم بهره ببریم.

نشست دوم- عنوان نشست دوم «نشست پژوهشگران جوان» بود که با مدیریت دکتر مونا کربلایی امینی، مدرس دانشگاه، و دبیری خانم شیرین حداد زند، دبیر کارگروه اجرایی کمیته جوانان انجمن، آغاز شد. در این نشست آقای صادق بشیره و خانم کتایون اشرفی، دانشجویان دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، با موضوع «امکان‌سنجی استناد به دفاع مشروع در برابر تجاوز سرزمینی خاتمه‌یافته»، آقای میلاد مهرابی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس و آقای امین علوی، دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دانشگاه تربیت مدرس، با موضوع «به سوی فضای سایبر و فراتر از آن؛ ضرورت بازنگری در قطعنامه تعریف تجاوز با تاکید بر حملات سایبری»، خانم نرگس رشیدی، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، با موضوع «حمایت از کودکان قربانی تجاوز روسیه به اوکراین»، خانم نسترن بختیاری، دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشگاه تهران، با موضوع «تحولات هنجارگذاری منع تجاوز در عصر دیجیتال: بررسی چگونگی تطبیق حقوق بین‌الملل با فناوری‌های نوین و چالش‌های ناشی از آن» و آقای حسین فراستخواه، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، و آقای متین امیری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، با موضوع «اقتدار شکننده رژیم ملل متحد در مقابل عمل تجاوز و مسئولیت چندلایه شورای امنیت» سخنرانی داشتند.

در ابتدای نشست، **خانم کتایون اشرفی** نسبت به ارائه خود با عنوان «امکان‌سنجی استناد به دفاع مشروع در برابر تجاوز سرزمینی خاتمه‌یافته» اقدام کردند. ایشان ضمن تاکید بر بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد مبنی بر عدم امکان استناد به توسل به زور، به استثنایی بودن شرایط استناد به دفاع مشروع اشاره کرده و بیان نمودند که تفسیر عناصر دفاع مشروع نیز می‌بایست به مضیق‌ترین وجه صورت

پذیرد. هدف دفاع نیز دفع حمله می‌باشد. امروزه جنس حملات تغییر پیدا کرده و تکنولوژی‌ها پیشرفت داشته است و موجودیت کشور در این حملات در خطر است، پس دفاع اولویت می‌باشد. ایشان سپس در ادامه به ارتباط حمله مسلحانه و تجاوز و همچنین مقیاس و آثار حملات پرداختند و اشاره داشتند که تجاوز بالاترین نوع از اشکال حمله مسلحانه می‌باشد. تئوری انباشت وقایع از مسائلی بود که در سخنرانی ایشان مورد تبیین قرار گرفت. خانم اشرفی همچنین به مفهوم ضرورت پرداخته و بیان داشتند که این مفهوم ماهیتی دوگانه دارد که در عرف بین‌المللی و منشور ملل متحد به آن اشاره شده است و در ماده ۲۵ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز بررسی شده است و وجه مشترک آن با دفاع مشروع در این نقطه می‌باشد که در شرایطی دولت مجبور است در مقام دفاع از موجودیت خود بدان متوسل شود. همچنین، ضرورت عنصر فوریت را تعیین می‌کند. ایشان توضیح دادند که آخرین عنصر دفاع مشروع نیز تناسب است که در حملات باید مدنظر قرار گیرد.

آقای میلاد مهربانی موضوع «به سوی فضای سایبر و فراتر از آن؛ ضرورت بازنگری در قطعنامه تعریف تجاوز با تاکید بر حملات سایبری» را مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. ایشان بیان فرمودند که هم اکنون در عرصه بین‌المللی حملات سایبری که توسط گروه‌های هکری وابسته به دولت نسبت به دولت دیگری صورت می‌گیرد، مسئله‌ای مهم است و تشخیص تحقق حمله در این موارد نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. آقای مهربانی سه شرط را در سخنان خود بیان کردند: ابتدا به اقدام یک دولت نسبت به دولت دیگر در قالب تعریف تجاوز و سپس به مسئله انتساب حملات و گروه‌های هکری که همواره در هاله‌ای از ابهام بوده است، پرداختند. کنترل کلی و موثر در فضای سایبری از مباحث پیچیده می‌باشند. وقوع حمله مسلحانه و تبیین این موضوع که منظور از سلاح در فضای سایبری دقیقاً چیست و خساراتی که به زیرساخت‌های یک کشور می‌تواند وارد سازد، مارا به شناخت فضای سایبری به عنوان سلاح سوق می‌دهد. ایشان سپس به تحلیل سلسله حملات سایبری کره شمالی به کره جنوبی و روسیه به اوکراین به عنوان یک رویکرد راهبردی پرداختند. کره شمالی از انواع مختلفی از حملات سایبری علیه کره جنوبی استفاده کرده است و روسیه نیز موفقیت‌های نظامی خود را در جنگ با اوکراین مدیون این فضا بوده است.

خانم نرگس رشیدی سخنرانی خود را در قالب موضوع «حمایت از کودکان قربانی تجاوز روسیه به اوکراین» مطرح کردند. ایشان در ابتدا شرایط دشوار کودکان در درگیری‌ها را فارغ از ملیت آن‌ها به تصویر کشیدند. در حقیقت کودکان به عنوان گروهی آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت ویژه، به توجه خاصی

احتیاج دارند. بر اساس ماده ۴ کنوانسیون چهارم ژنو، کودکان جزو افراد تحت حمایت محسوب می‌شوند، هرگونه حمله به آن‌ها ممنوع است و باید با آنان به شکلی انسانی رفتار شود. همواره توجه به حقوق کودکان از جمله حق حیات آنان به عنوان ابتدائی‌ترین حق و حمایت از آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. همچنین آثار اجتماعی نقض حقوق مختلف کودکان از جمله تحصیل باعث ایجاد عواقب جبران ناپذیری در روان آنان خواهد شد. انتقال اجباری کودکان اوکراینی و شرایط این کودکانی که قربانی تجاوز هستند و از اوکراین به روسیه منتقل شده‌اند، با خطر تغییر تابعیت، فرزندخواندگی، حضور در اردوگاه‌های آموزشی و دیگر آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم روبه‌رو هستند. انتقال اجباری کودکان از یک گروه به گروه دیگر، بر اساس ماده ۶ اساسنامه رم، یکی از عناصر تعریف شده نسل‌زدایی است. این موارد گواهی بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر بررسی و تضمین حمایت از کودکان قربانی تجاوز می‌باشد.

خاتم‌نسترن بختیاری موضوع خود را با عنوان «تحولات هنجارگذاری منع تجاوز در عصر دیجیتال: بررسی چگونگی تطبیق حقوق بین‌الملل با فناوری‌های نوین و چالش‌های ناشی از آن» ارائه نمودند. ایشان چنین بیان داشتند که دوران جدیدی با ظهور فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون اینترنت در عرصه بین‌المللی پدیدار شده که ابعاد تازه‌ای از مفهوم تجاوز را نمایان ساخته است که در آن اصول سنتی حاکمیت و امنیت ملی با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند. به بیان دیگر، تحولات ناشی از فناوری‌های نوین تغییرات بنیادین و پیچیده‌ای در مفهوم و هنجارسازی منع تجاوز در حقوق بین‌الملل به وجود آورده است. باید توجه داشت که مقررات و هنجارهای حقوق بین‌الملل عمدتاً بر پایه شرایط قرن بیستم تدوین شده‌اند و به نظر می‌رسد توانایی کافی برای مقابله با چالش‌های نوظهور در عصر دیجیتال را ندارند. خاتم‌بختیاری در ادامه به بررسی نقش نهادهای بین‌المللی، دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در شکل‌دهی و تقویت هنجارهای جدید برای مقابله با تجاوز در فضای دیجیتال پرداختند. همچنین، بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی به عنوان یکی از موضوعات محوری این بحث تأکید کرده و در پایان نیز پیشنهاداتی را برای بهبود چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی و طراحی سازوکارهای کارآمد جهت مقابله با تجاوز در عصر دیجیتال مطرح نمودند. از جمله این پیشنهادات می‌توان به تقویت همکاری‌های بین‌المللی، ایجاد نهادهای نظارتی برای پایش فعالیت‌های سایبری و جلوگیری از نقض حقوق بشر اشاره کرد.

آقای حسین فرستخواه در ارائه خود با عنوان «اقتدار شکننده رژیم ملل متحد در مقابل عمل تجاوز و مسئولیت چندلایه شورای امنیت»، بیانات خود را در قالب دو گام مطرح کردند که در گام نخست به

موانع واکنش موثر در رژیم ملل متحد به عمل تجاوز و در گام بعدی به مسئولیت پاسخ به تجاوزات اشاره داشتند. ایشان بیان داشتند که نظام هنجاری که در رژیم ملل متحد وجود دارد، از اقتدار لازم برای واکنش موثر به تجاوز برخوردار است. اما در مواردی این سازوکار بر سر راه خود دارای موانعی می‌باشد که اقتدار مزبور را دچار مشکل می‌سازد. مرجع اصلی که وظیفه آن واکنش به تجاوز است، شورای امنیت می‌باشد.

رژیم ملل متحد برای مشروعیت بخشیدن به اهدافی مانند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل شده است و ریشه کن ساختن تجاوز نیز جزئی از آن می‌باشد که عملاً هدف محور هستند.

به موجب ماده ۳۹ منشور، توزیع اقتدار در ساختار ملل متحد در مقام واکنش به تجاوزات صرفاً بر عهده شورای امنیت است. اما این رکن در تشخیص وضعیت‌های تجاوز به نیابت از جامعه بین‌المللی عمل می‌کند و دامنه صلاحیده آن بی قید و شرط نمی‌باشد. در همین راستا، شورای امنیت در اقدام موثر نسبت به تجاوز باید به قدر متقین اهداف منشور مقید و ملزم باشد. بنابراین، تفسیرهایی که به منظور رفع مسئولیت شورا صورت می‌پذیرد، از حیث تعارض با اهداف منشور نتایج نامطلوبی در پی دارد و می‌تواند اقتدار و مشروعیت ملل متحد را به چالش بکشد.

در ادامه نیز آقای متین امیری اقتدار شورای امنیت برای ایفای تعهدات خود را تحت عنوان مسئولیت چندلایه بررسی کردند و اینکه آیا اعمال وتو منجر به مسئولیت شورای امنیت خواهد شد یا خیر؟ ایشان در خصوص مسئولیت حمایت در عملکرد شورا به توصیه دبیرکل در سال ۲۰۰۹ اشاره کردند. در مورد لایه بعدی مسئولیت نیز به نقش و جایگاه محول شده به شورا اشاره کردند که منشا مسئولیت آن نهاد نیز خواهد بود. از نظر آقای امیری، این دو مسئولیت که به آن اشاره شد، زاینده مسئولیت خودداری از وتو می‌باشند که بیان می‌کند اگر منافع حیاتی یک دولت دخیل در شرایطی نباشد، از وتو استفاده نشود.

شایان ذکر می‌باشد که هر دو نشست فوق با استقبال مخاطبان به پرسش و پاسخ و تبادل نظر میان حضار و سخنرانان ختم شده و در نهایت روز نخست همایش با گرفتن عکس‌های یادگاری به پایان رسید.

روز دوم همایش

روز دوم همایش با سخنان آغازین دکتر پوریا عسکری، دبیر کل انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، و آقای فریدون مجلسی، دیپلمات ارشد سابق وزارت امور خارجه، در دو نشست تخصصی به کار خود ادامه داد.

دکتر عسکری با مروری بر مقالات مطروحه در روز اول همایش، محور مطالب آن را تعریف و بازتعریف تجاوز دانستند و اظهار داشتند که روز دوم و نحوه چینی نشست‌ها و مقالات به گونه‌ای است که می‌بایست به نسبت تجاوز با سایر مفاهیم از جمله اشغال، حمله مسلحانه و... پرداخته شود و حقوق و تکالیف ناظر بر آن‌ها معین گردد. این مسائل از این حیث حائز اهمیت هستند که طی سال‌های اخیر و بخصوص با بروز جنگ روسیه و اوکراین بسیاری از مفاهیم، حقوق و تعهدات بین‌المللی دستخوش تغییر و تحول شده‌اند.

پنجاهمین سال تصویب قطعنامه تعریف تجاوز از نظر آقای مجلسی سالی است که متأسفانه همراه با تجاوزات متعدد بوده که در هر یک طرفین خود را به عنوان مدافع محق دانسته و طرف دیگر را متجاوز قلمداد نموده‌اند. دورنمای ما از این موضوع متأسفانه مطلوب نیست و ترامپ به عنوان رئیس جمهور آینده آمریکا، هنوز بر مسند ننشسته، سخن از الحاق کانادا، گرینلند و یا کانال پاناما به آمریکا می‌کند. در واقع مسئله آن است که وقتی پای منافع در میان باشد، در عمل بسیاری از نظریات و مفاهیم کنار گذاشته شده و یا قلب می‌شوند. ایشان این قبیل اقدامات تجاوزکارانه را متأثر از مسائل اقتصادی دیدند و دامنه آن را در قالب رقابت‌های اقتصادی به سایر کشورها از جمله چین و کره و... نیز قابل سرایت دانستند.

روز دوم همایش نیز مانند روز نخست دارای دو نشست تخصصی بود که در ادامه به شرح مختصری از آن‌ها پرداخته می‌شود.

نشست اول- نشست اول روز دوم همایش با موضوع «تجاوز و دفاع مشروع در چارچوب منشور سازمان ملل متحد» و با مدیریت دکتر سیدهادی محمودی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، و دبیری آقای مهدی منصوری، عضو کمیته جوانان انجمن، آغاز به کار کرد. دکتر محسن عبداللهی، عضو

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، با موضوع «مرز میان حمله مسلحانه با تجاوز»، دکتر ستار عزیزی، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، با موضوع «دفاع مشروع در برابر حملات مسلحانه بازیگران غیردولتی»، دکتر فریده محمدعلیپور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، با موضوع «دفاع مشروع و انهدام هسته تجاوز» و دکتر شهرام زر نشان، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، با موضوع «توسعه حقوق بین‌الملل در مفهوم تجاوز از رهگذر جنگ‌های نوظهور سایبری» به ایراد سخن پرداختند.

در ابتدای نشست، دکتر محسن عبدالهی نسبت به ارائه خود با عنوان «مرز میان حمله مسلحانه با تجاوز» اقدام کردند. ایشان به مرز میان حمله مسلحانه و تجاوز و رابطه این دو با یکدیگر پرداخته و از جمله به نکات زیر اشاره داشتند:

ه. چه نوع زوری مدنظر است؟ دکترین و اسناد تمایل به محدود کردن زور دارند و تمایلی به شناخت زوری به جز زور مسلحانه ندارند.

و. اگر توسل به زور را زور نظامی بدانیم، در این صورت چگونه حملات سایبری را ذیل حملات مسلحانه بگنجانیم؟

ز. طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، قاعده منع توسل به زور یک قاعده بین‌دولتی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴ در نظریه مشورتی دیوار حائل بیان داشت برای اینکه یک حمله از سوی یک بازیگر غیردولتی بتواند به‌عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته شود و در نتیجه دفاع مشروع را به‌دنبال داشته باشد، باید به یک دولت خارجی منتسب شود. دیوان در قضیه کوزوو نیز بر این نظر بود که قاعده منع توسل به زور فقط در رابطه میان دولت است.

ح. مسئله: چطور حملات یک بازیگر غیردولتی به‌عنوان حمله مسلحانه در نظر گرفته شود، اما آن بازیگر غیردولتی به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور متعهد به قاعده منع توسل به زور نباشد؟

ط. هم حمله مسلحانه و هم تجاوز، توسل به زور هستند، اما توسل به زوری هستند که از میزان یا آستانه‌ای از شدت برخوردار باشند. بنابراین، هر توسل به زوری یک حمله مسلحانه یا تجاوز نیست؛ مگر این‌که آستانه شدت مورد نظر را داشته باشد.

ی. اهمیت تعیین حمله مسلحانه آن است که دفاع مشروع تنها استثناء ذاتی توسل به زور است و از این رو باید به درستی تحدید و تعریف شود.

ک. تعریف حمله مسلحانه با توجه به رویه دیوان در قضایای نیکاراگوئه و سکوه‌های نفتی آن است که حمله مسلحانه توسل به زوری است که شدت لازم را دارد. آستانه شدت شامل مقیاس و آثار کافی است. دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی حمله به یک کشتی جنگی را حمله مسلحانه در نظر گرفته است. در نتیجه آستانه مقیاس معیار منعطفی است و تابع شرایط و اوضاع و احوال هر قضیه است، اما آستانه اثر یا شدت حمله، تابعی از عواقب حمله است و آثار حتماً باید فزینگی و مادی باشند. در نتیجه یک حمله سایبری می‌تواند آثاری مشابه با یک حمله مسلحانه داشته باشد.

ل. در قطعنامه تعریف تجاوز نیز شدت عامل تعیین‌کننده است: تجاوز نیز مانند حمله مسلحانه، توسل به زور شدید است.

م. هر حمله مسلحانه‌ای تجاوز است و هر تجاوزی حمله مسلحانه:

دلایل: ۱- کارهای مقدماتی منشور؛ ۲- معادل فرانسوی ماده ۵۱؛ ۳- هم تجاوز و هم حمله مسلحانه توسل به زور شدید است. همچنین در بند ۵ قطعنامه واژه شدت مدنظر قرار گرفته شده، در ماده ۱، توسل به زور مسلحانه تعریف می‌شود و در ماده ۲، شدت کافی.

ن. در دو جای قطعنامه اشاره شده است که این قطعنامه هیچ اثری بر منشور و اقتدارات اعضای شورای امنیت نمی‌گذارد: یکی بند ۴ مقدمه است و دیگری، ماده ۶ قطعنامه.

دکتر ستار عزیزی موضوع «دفاع مشروع در برابر حملات مسلحانه بازیگران غیردولتی» را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و از جمله به نکات زیر اشاره داشتند:

أ. تعریف بازیگران غیردولتی: گروه نظامی سازمان یافته‌ای که برای سرنگونی حکومت مستقر، یا ایجاد تغییرات سرزمینی، وارد مخاصمه مسلحانه با یک دولت می‌شود.

ب. آیا دولت اشغالگر می‌تواند در برابر حملاتی که از سوی مردم تحت اشغال که برای خاتمه یافتن اشغال صورت می‌گیرد به دفاع مشروع متوسل شود؟ در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴ (دیوار حائل)؛ دیوان استدلال اسرائیل که ساخت دیوار حائل را در مقام دفاع مشروع در برابر حملات گروه‌های فلسطین توجیه می‌کرد، رد می‌کند.

ج. تقسیم‌بندی براساس پایگاه بازیگران غیردولتی:

۱. پایگاه شورشیان در همان کشوری باشد که علیه دولت اقدام نظامی می‌کنند: در این فرض از عنوان دفاع مشروع نمی‌توان صحبت کرد؛ زیرا یک مخاصمه مسلحانه داخلی است و اگر به آستانه لازم در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو رسیده باشد، مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی است. به علاوه، منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ منشور، استفاده از زور در روابط بین دولت‌ها را منع کرده است، در نتیجه حقوق بین‌الملل منعی نمی‌بیند که شورشیان با استفاده از زور حکومت مستقر را براندازند و حکومت مستقر نیز برای حفاظت از خود شورشیان را سرکوب کنند.

۲. پایگاه شورشیان در کشور همسایه مستقر باشد: اگر بتوان حملات را به دولت خارجی منتسب نمود، در این فرض سوال این است که چه تئوری برای انتساب باید استفاده گردد؟ کنترل کلی یا موثر؟ در این خصوص اختلاف نظر بین دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق وجود دارد. البته شاید بتوان گفت که تأکیدی که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه دارد معطوف است به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و معیار کنترل کلی در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق معطوف به بحث توصیف مخاصمه است. در نتیجه شاید بتوان در این فرض از معیار کنترل کلی هم استفاده نمود و در نهایت دولت قربانی حمله می‌تواند به دفاع مشروع استناد کند.

در فرض دیگر، حملات از سوی شورشیان به دولت خارجی منتسب نمی‌شود، اما دولت بیگانه از وجود این بازیگر غیردولتی نه تنها آگاهی دارد، بلکه حضور آن‌ها را نیز تحمل می‌کند و شاید کمک‌هایی نیز به گروه شورشی برساند؛ اما در سطح آستانه‌ای نیست که این حملات را بتوان منتسب به دولت خارجی نمود و به سطح آستانه کنترل کلی نیز نمی‌رسد. در این فرض، آیا دولت قربانی می‌تواند به دفاع مشروع استناد کند؟ نظر حقوقدانان تقسیم‌بندی براساس حوادث قبل از ۱۱ سپتامبر و بعد از آن ارائه می‌دهد. قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر، شورای امنیت قطعنامه شماره ۵۷۳ را صادر می‌کند و حملات اسرائیل به پایگاه‌های ساف در تونس را محکوم می‌کند. دولت‌های آمریکای لاتین هم بر این نظر بوده‌اند که دولت‌ها در این‌گونه موارد حق ندارند به دفاع مشروع استناد کنند. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر؛ دیوان در رأی شکایت کنگو علیه اوگاندا ۲۰۰۵، توجیه اوگاندا را نپذیرفت و بیان نمود حتی شورشیان خود حکومت مرکزی کنگو، درکوه‌های شرق کشور مستقر بوده‌اند و دولت مرکزی توانایی مقابله با شورشیان دولت خود را نداشته است

چه برسد به این که گروه‌های شورشی کشور دیگر را بیرون کند. در نتیجه استناد اوگاندا به دفاع مشروع را نمی‌پذیرد.

د. برخی از حقوق‌دانان از این دیدگاه که دولت قربانی بتواند در حملاتی که از دولت همسایه نشأت می‌گیرد و دولت همسایه نمی‌خواهد یا نمی‌تواند با آن‌ها مقابله کند به دفاع مشروع استناد کند، حمایت کرده‌اند. برخی از اسناد غیردولتی نیز مانند توصیه‌های لیدن از این مسئله حمایت کرده‌اند با این استدلال که در ماده ۵۱ منشور به منشأ حمله اشاره نشده است.

ه. در استدلالی دیگر، دفاع مشروع استثنایی است بر قاعده، در نتیجه بایستی همواره مضیق تفسیر گردد. بنابراین، استناد به دفاع مشروع در برابر این نوع حملات، پذیرفتنی نیست مگر در خصوص حملات تروریستی؛ چرا که رویه گسترده و قابل پذیرش چنین است.

در ادامه، دکتر فریده محمدعلی‌پور به ارائه خود با عنوان «دفاع مشروع و انهدام هسته تجاوز» پرداختند. ایشان نیز نکاتی را به شرح زیر مورد اشاره قرار دادند:

- ا. آنچه حق دفاع مشروع را برای اسرائیل ایجاد کرده است، چیست؟
- ب. در حقوق و روابط بین‌الملل غیرنظامیان و نظامیان دولت‌های در خصمه با هم متفاوت‌اند و تلقی آن‌ها به عنوان دو عنصر واحد غیراخلاقی و غیرقانونی است.
- ج. مفهوم بمباران استراتژیک در حقوق بین‌الملل ایجاد شده که اصل تناسب نامیده می‌شود (حادثه در شهر آلمان).
- د. آیا غیرنظامیان دولتی که متجاوز فرض می‌شود با غیرنظامیان دولتی که قربانی فرض می‌شود در حقوق و روابط بین‌الملل از جایگاه متفاوتی برخوردار هستند؟ آیا می‌توان با غیرنظامیان دولتی که متجاوز فرض می‌شود به گونه‌ای دیگر رفتار کرد؟
- ه. حد دفاع مشروع چقدر خواهد بود؟ اگر دولت متجاوز تسلیم شود، این حق قابل اعمال خواهد بود؟ اگر شورای امنیت مداخله کند باز هم این حق وجود دارد؟ چرا؟ پاسخ در حقوق بین‌الملل است.
- و. در ملاحظات اخلاقی سه رویکرد وجود دارد که توجیه می‌کند آنچه را رد می‌کنیم: ۱- غیرنظامیان حق ذاتی دارند که از آسیب‌های جنگ در امان باشند و نباید عمداً مورد هدف قرار بگیرند. اما نباید این غیرنظامیان را با آن دسته از افرادی که نظامیان متجاوز از بین آن‌ها برخاستند یکسان تلقی نمود؛ ۲- یک شبکه صنعتی این قدرت و توان را برای تجاوزگری امکان-

پذیر کرده است، در نتیجه به جای حمله به نیروهای میدانی بهتر است زیرساخت‌ها نابود شود؛ ۳- زمانی که با فوریت اضطراری مواجه هستیم و جنگ یک تهدید جدی برای نظم اخلاقی بین‌المللی و نظام مبتنی بر منع توسل به زور تلقی می‌شود، می‌توان از نیروی نامحدود برای سرکوب آن استفاده کرد که همان انهدام هسته‌ای تجاوز نامیده شده است. مثال موفق تاریخی آن، جنگ جهانی دوم است.

ز. اگر در انهدام هسته تجاوز، این دفاع از اصل تناسب بگذرد چه خواهد شد؟ اگر تجاوز معمولی باشد باید اصل تناسب رعایت گردد؛ اما اگر در مقیاس بزرگ باشد، پس می‌توان در حدی عمل کرد که دولت متجاوز دیگر امکان تجاوز نداشته باشد.

در پایان این نشست، دکتر شهرام زرنشان و دکتر خاکپور موضوع «توسعه حقوق بین‌الملل در مفهوم تجاوز از رهگذر جنگ‌های نوظهور سایبری» را مورد ارزیابی قرار دادند. در این راستا، دکتر زرنشان نکاتی را به شرح زیر بیان نمودند:

ا. آنچه که امروزه از تجاوز در ذهن داریم و در حقوق بین‌الملل به آن پرداخته می‌شود، هنوز محدود به مرزهای سنتی است و قطعنامه تعریف تجاوز به شکل کنونی، علی‌رغم بندهای متعدد، ظرفیت گنجاندن مفاهیم گسترده‌تر را ندارد. اما رویه بین‌المللی و واقعیت‌های موجود خلاف این امر است و جنگ سایبری را به نوعی عملیات جنگی در نظر گرفته است و خود را محق به دفاع مشروع می‌داند.

ب. اختلافات سایبری فقط هک بانکی و غیره نیست، بلکه جنگ سایبری می‌تواند آثار و پیامدهایی تقریباً مشابه و حتی بعضاً شدیدتر از یک حمله مسلحانه داشته باشد، مانند نابودی زیرساخت‌ها و نقض حاکمیت دولت‌ها. بنابراین، در چنین مواقعی می‌تواند جنگ تلقی شود.

ج. آیا می‌توان جنگ سایبری را نیز ذیل مفهوم بند ۴ ماده ۲ منشور قرارداد؟

د. حمله سایبری به چه میزان باید رخ دهد تا حمله مسلحانه تلقی گردد؟

ه. اهمیت شناسایی منبع حمله در حملات سایبری.

و. از دستورالعمل‌های تالین ۱ و ۲ می‌توان برای برخی از شکاف‌های عرفی استفاده نمود.

ز. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه بیان می‌کند که نیازی نیست تا حمایت صرفاً نظامی باشد و می‌تواند به شکل تجاوز غیرمستقیم نیز صورت گیرد. دیوان در پرونده سکوه‌ای

نفی، قائل به درجات مختلفی از توسل به زور می‌شود. در نتیجه می‌توان بیان نمود رویکرد دیوان مبتنی بر اثر حمله مسلحانه است، در حالی که رویکرد منشور مبتنی بر ابزار مورد استفاده است.

ح. نتیجه: قطعنامه تعریف تجاوز در قالب معاهده و لازم‌الاجرا نیست بلکه قالب عرفی پیدا کرده و نیاز به تدوین اسناد و کنوانسیون‌های جدید برای ممنوعیت‌های حملات سایبری و فراهم آوردن زمینه همکاری‌های بین‌المللی که با سرعت پیشرفت تکنولوژی همراه باشد، وجود دارد. دکتر خاکپور نیز اجمالاً به نکاتی اشاره داشتند؛ از جمله:

- ا. بازتعریف از مفهوم تجاوز: قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی در سال ۱۹۷۴ تجاوز را محدود به نیروهای مسلح کرده است در حالی که جنگ سایبری، لزوماً نیروی مسلحی را شامل نمی‌شود.
- ب. دستورالعمل تالین منبع خوبی است که در عرف می‌توان به آن استناد کرد.
- ج. در منشور، در تعریف حمله مسلحانه ابزار مورد تأکید بوده است ولی در رویه دیوان تأثیر مهم بوده ولی در نهایت هم نتوانسته معیاری مشخص کند.
- د. پیشنهاد می‌شود تدوین معاهدات و کنوانسیون در مورد حملات سایبری، مسئولیت دولت‌ها، استانداردها شامل ممنوعیت حملات به زیرساخت‌ها و غیره مطرح شود.

نشست دوم- عنوان نشست دوم روز دوم همایش «تجاوز و مسئولیت بین‌المللی» بود که با مدیریت دکتر شهرام زر نشان، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و دبیری خانم فاطمه انصاری پیری، عضو کمیته جوانان انجمن، آغاز شد. در این نشست، دکتر سید علی موسوی، مدیر کل حقوقی بین‌المللی وزارت امور خارجه، با موضوع «جرم انگاری جنایت تجاوز در حقوق داخلی دولت‌ها» و دکتر سیامک کریمی، مدرس دانشگاه، با موضوع «مسئولیت اشتقاقی حمایت از دولت متجاوز» سخنرانی نمودند.

در ابتدای نشست، دکتر موسوی بیانات خود در موضوع «جرم انگاری جنایت تجاوز در حقوق داخلی دولت‌ها» را در پنج محور تقسیم‌بندی کردند و بعد از ارائه مقدمه‌ای، در خصوص ضرورت جرم‌انگاری جنایت تجاوز با توجه به ویژگی‌های خاص این مفهوم سخن گفتند. ایشان در ادامه قوانین ملی برخی از کشورهایی که قانون ملی برای جرم‌انگاری جنایت تجاوز وضع کرده‌اند و همچنین تلاش‌هایی که در ایران انجام شده است را مورد توجه قرار دادند و با توجه به زمان تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری این اقدامات را بیان کردند. ایشان در ابتدا ضمن اشاره به صدور حکم بازداشت جنایت‌کاران رژیم

صهیونیستی، این امر را واکنش جامعه بین‌المللی و انتظاری معقول دانستند و افزودند: بدون تردید، جامعه ایرانی، از جمله جوامع حساسی است که در عین حفظ حاکمیت ملی به دنبال کنشگری موثر در برابر مرتکبین جنایات بین‌المللی است، با این حال باید توجه داشت این امر مستلزم شناخت و وضع قوانین و مقررات مربوطه در نظام حقوقی کشورمان است.

دکتر موسوی همچنین صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به چهار عنوان مجرمانه موجود در اساسنامه رم را مورد پرسش قرار دادند و از دیدگاه‌های موافق و مخالف آن سخن گفتند و در ادامه افزودند: اگر وجود چنین مفاهیم سنتی کفایت می‌کند، پس چرا دیگر کشورها در راستای وضع قوانین مختص به این عناوین مجرمانه گام برداشته‌اند؟ ایشان با اشاره به دیدگاه برخی حقوق‌دانان مبنی بر امکان شناسایی صلاحیت دادگاه‌های داخلی با استناد به ماده ۹ قانون مدنی آن را رد کردند و به لزوم وضع قوانین ملی برای رسیدگی به این امور تأکید کردند.

ایشان همچنین با اشاره به عضویت ۱۲۵ کشور در اساسنامه رم و پذیرفتن صلاحیه کامپالا توسط ۴۶ کشور، به ابتکارات و قوانین این ۴۶ کشور و همچنین تمایل دولت‌ها و دیوان به عدم ورود این نهاد در بررسی این جنایات، تأکید کردند و بیان داشتند: ما تا به امروز در مورد این ۴۶ کشور شاهد نوعی سردرگمی هستیم. علت اصلی هم آن است که جرم تجاوز بر خلاف سه جنایت دیگر، عنصر دولتی هم دارد؛ در واقع نوعی مسئولیت بین‌المللی دولت هم ایجاد می‌شود و به عبارت دیگر، اشخاص دولتی هم درگیر خواهند شد.

دکتر موسوی با اشاره به احتمال درگیر شدن کشور ثالث و زیر سوال رفتن اصل برابری حاکمیت دولت این مورد را هم یکی از علل سردرگمی‌های موجود دانستند و افزودند: ما با توجه به این ویژگی‌ها ناگزیریم که جرم‌انگاری جنایت تجاوز را از سه جرم بین‌المللی دیگر متمایز کنیم.

ایشان بعد از این نکته، به محور اول سخنان خود ورود کردند و به ضرورت جرم‌انگاری جرم تجاوز تأکید داشتند. دکتر موسوی در این باره فرمودند: متعاقب جنایت تجاوز جنایت‌های دیگر نیز اتفاق می‌افتد و به همین جهت ناگزیر به تدوین قواعد داخلی خود هستیم و از طرف دیگر کشورهایی که قوانین ملی برای رسیدگی قضایی به این جنایات ندارند، در حقیقت امکان کامل برای صلاحیت تکمیلی دیوان را فراهم می‌کنند.

آقای دکتر موسوی ضمن توجه به رویه کشورهای مختلف و اقدامات انجام‌شده، وضعیت ۱۶ کشور را در وضع قانون مختص به جنایت تجاوز مورد توجه قرار دادند و تأکید کردند که ۸ کشور از این تعداد دقیقاً ماده ۸ مکرر اساسنامه رم را مورد توجه قرار دادند. ایشان در ادامه افزودند: علاوه بر این، ۴

کشور تعاریفی از تجاوز آورده‌اند که عناصر اولیه ماده ۸ مکرر در آن وجود دارد و ۴ کشور کاملاً تعاریف جدیدی ارائه داده‌اند. همه کشورها در تعریف تجاوز موضوع را محدود به رهبران یک حمله مسلحانه تحت عنوان تجاوز کرده‌اند و افراد دیگر هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند، همچنین ۱۰ کشور به عنصر شدت و مقیاس توجه داشته‌اند و ۱۰ کشور به قطعنامه ۳۳۱۴ استناد کرده‌اند، ۴ کشور به صلاحیت جهانی پرداخته‌اند و فقط یک کشور (استونی) مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد توجه قرار داده است.

دکتر موسوی در پایان بیانات خود به ایران اشاره کردند و با توجه به اقدامات انجام‌شده به تهیه پیش‌نویسی در سال ۱۳۸۷ اشاره کردند که در آن متن نیز سه جنایت اول به جز تجاوز مورد بررسی قرار گرفته بود. ایشان در پایان با تأکید بر اینکه کنشگری درست در گرو بهبود عملکرد و توانمندسازی قوای تقنینی است، بیانات خود را به پایان رساندند.

در پایان این نشست، **دکتر سیامک کریمی** سخنان خودشان را ذیل عنوان «مسئولیت اشتقاقی حمایت از دولت متجاوز» مطرح کردند.

ایشان در ابتدا به انواع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل پرداختند، بدین‌گونه که دو نوع مسئولیت بین‌المللی متوجه دولت‌ها است. نوع اول مسئولیت اصلی یا مستقیم بین‌المللی و نوع دوم مسئولیت اشتقاقی می‌باشد. در مورد مسئولیت اصلی یا مستقیم، ماده ۱ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به آن پرداخته است، بدین شرح که دولت‌ها زمانی که مرتکب رفتار متخلفانه می‌شوند، مسئولیت بین‌المللی متوجه آن‌ها می‌شود. اما مسئولیت اشتقاقی این چنین نیست. آن رفتار یا حمایت، کمک و مساعدتی که دولت انجام می‌دهد، نوعاً خلاف حقوق بین‌الملل نیست. درواقع مسئولیت اشتقاقی زمانی به وقوع می‌پیوندد که فعل دولت دیگری در اثر حمایت، مساعدت یا راهنمایی یک دولت دیگر انجام شده باشد. اما در خصوص تجاوز ارضی، این حمایت و مساعدت نوعاً متخلفانه است که در بند ۲ ماده ۴۱ طرح پیش‌نویس آمده است: «دولت‌ها نباید به وضعیت‌های ناشی از نقض شدید قاعده آمره کمک کنند». در بند F قطعنامه تعریف تجاوز نیز آمده است که «دولت‌ها نباید سرزمین خود را در اختیار دولت‌های دیگر جهت انجام عمل تجاوز قرار دهند». ایشان هدف از تدوین مسئولیت ناشی از کمک به دولت متخلف یا مسئولیت اشتقاقی را تقویت حاکمیت قانون و در نتیجه کاهش وقوع فعل متخلفانه بین‌المللی ارزیابی کردند که ماده ۱۶ طرح پیش‌نویس به این موضوع پرداخته است.

دکتر کریمی در ادامه به چپستی رکن مادی این عمل متخلفانه یعنی حمایت یا مساعدت پرداختند و مطرح کردند که هر عمل یا هر اقدامی می‌تواند مصداق حمایت باشد. مثلاً یک دولت حمایت مالی می‌کند یا یک دولت دیگر حمایت لجستیک می‌کند و حتی مواقعی که جامعه بین‌المللی اقدام به تحریم دولت متجاوز می‌کند، اگر دولت دیگری به این اقدام جامعه بین‌المللی نپیوندد و آن دولت متجاوز را تحریم نکند، درواقع نوعی حمایت محسوب شده و می‌تواند مسئولیت اشتقاقی داشته باشد. اما این نکته را باید در نظر داشته باشیم که بند ۵ شرح و تفسیر ماده ۱۶ طرح پیش‌نویس قائل به یک آستانه یا یک درجه‌ای برای آن حمایت است. حمایت‌های بسیار دور، صرف ترغیب یا حمایت سیاسی از دولت متجاوز، موجب مسئولیت اشتقاقی نیست. بنابراین آن حمایت باید به نحو قابل توجهی در وقوع آن فعل متخلفانه دولت متجاوز نقش داشته باشد.

ایشان در ادامه همین بحث گریزی به بند ۱۰ شرح و تفسیر طرح پیش‌نویس زدند و افزودند: بند ۱۰ راجع به توضیح و تشریح مسئولیت اشتقاقی است، بدین گونه که وقتی یک حمایتی، برای وقوع فعل متخلفانه ضروری است، ما با مسئولیت متقارن روبرو هستیم. دولت‌ها در بعضی از مواقع با وضعیت‌هایی روبرو هستند که آن حمایت ناچیز و اندک است. بنابراین، این بند به حمایت جزئی اشاره دارد. در حالی که طبق بند ۵ ما با حمایت قابل توجه جهت مسئول قلمداد کردن دولت حامی مواجه بودیم که این نکته ما را دچار ابهام کرده است. دکتر کریمی در مقام استدلال این ابهام فرمودند که بند ۵ است که شدت و درجه حمایت را جهت مسئول شناخته شدن تبیین می‌کند؛ در حالی که بند ۱۰ صرفاً در خصوص توضیح مسئولیت بوده و کمکی در خصوص اندازه‌گیری شدت مسئولیت نمی‌کند. در نتیجه رکن مادی مسئولیت اشتقاقی شامل هر کمک و مساعدتی است که در وقوع آن فعل متخلفانه از سوی دولت متجاوز نقش قابل توجهی ایفا کرده است.

ایشان همچنین به رکن ذهنی حمایت پرداختند و افزودند در بند الف ماده ۱۶ طرح پیش‌نویس آمده است که چنین کمک یا مساعدتی باید با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه صورت بگیرد. یعنی دولت کمک کننده مطلع است که از کمک یا مساعدتش در وقوع فعل متخلفانه استفاده خواهد شد. اما وقتی به شرح و تفسیر همین ماده نگاه می‌کنیم، می‌بینیم علاوه بر آگاهی، به قصد دولت حمایت کننده نیز پرداخته شده است. تکلیف چیست؟ صرفاً قائل به عنصر آگاهی باشیم یا نه، علاوه بر آن عنصر قصد را هم مشمول رکن ذهنی بدانیم؟ در بعضی از پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر رویه به سود آگاهی است، مثل پرونده‌ی المصری علیه مقدونیه.

دکتر کریمی در پایان بیانات خود به ۴ نکته در مقام استدلال این ابهام اشاره کردند: اول اینکه معنی قصد در حقوق بین‌الملل بسیار نامفهوم است و نمی‌توان به یک درک مشخص از این واژه رسید. دوم، حقوق بین‌الملل در مقایسه با حقوق داخلی، یک حقوق سکولار است و به نیت و انگیزه توجه زیادی ندارد از سوی دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به عنصر قصد و انگیزه ورود پیدا نکرد. سوم، حاکمیت قانون است که در واقع هدف از مسئولیت اشتقاقی، همین صیانت از حاکمیت قانون می‌باشد. در کل، عنصر قصد احراز مسئولیت اشتقاقی را بسیار سخت و دشوار می‌کند. چهارم اینکه رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که بیشتر قائل به عنصر آگاهی هستند.

در نهایت، همایش سالانه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با عنوان «قطعه‌نامه تعریف تجاوز؛ میراث پنجاه ساله و چشم‌انداز آینده» با سخنرانی دکتر سواری و دکتر مصفا و پس از گرفتن عکس‌های یادگاری به پایان رسید.

دکتر سواری ضمن ارائه جمع‌بندی مفصل از سخنرانی‌های همایش، با تأکید بر اینکه مسئولیت اشتقاقی کمک به حاکمیت قانون در صحنه بین‌المللی است، اذعان داشت در بعضی مواقع تفسیر موسع می‌تواند حاکمیت قانون را سست کند. ایشان در پرسش به این که با تمام موارد مطروحه پیرامون تجاوز، در مواجهه با آن چه کار باید کرد، افزود: «جامعه جهانی با شدت قابل توجهی در حال تحول است و اینکه این تحولات را با قواعد و قالب‌های قدیمی تطبیق دهیم امری دشوار است و منجر به ناامیدی می‌گردد. باید به ریشه توجه شود و آن ریشه چیزی جز آموزش نمی‌باشد. بشریت باید آموزش داده شود و مبارزه مثبت از طریق آگاهی‌افزایی در قالب نهادی مانند یونسکو انجام شود.»

دکتر مصفا نیز در کلام پایانی ضمن اشاره به مسائل پیرامونی برگزاری همایش، از دبیرهای علمی و اجرایی همایش، کادر علمی و اجرایی، سخنرانان، کمیته جوانان انجمن، عوامل خانه اندیشمندان و حاضران در همایش تقدیر و تشکر کردند.